

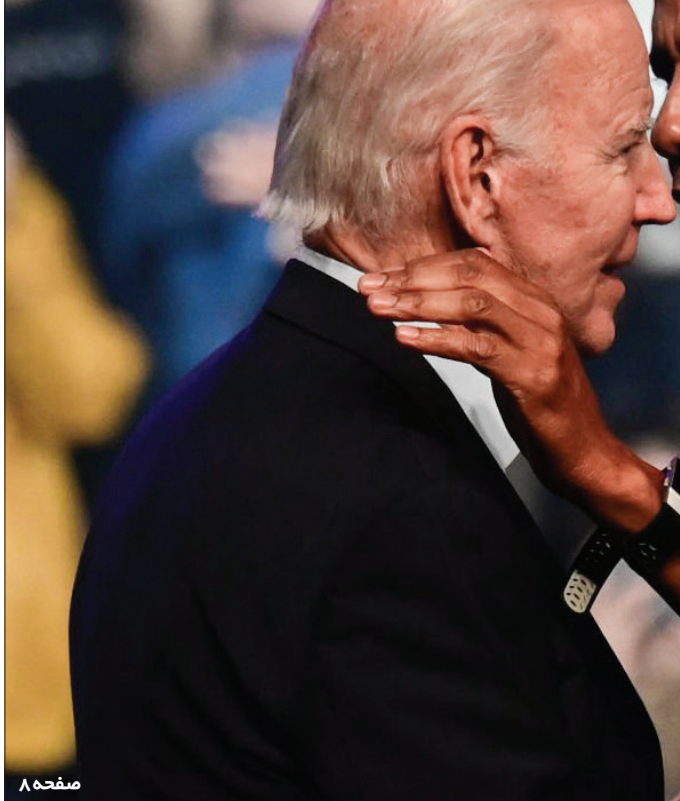
«فرهیختگان» یک داده‌کاوی شبکه‌های اجتماعی درباره مساله مهاجران افغانستانی را منتشر می‌کند

رصد تغییر افکار عمومی در ماجرای مهاجران

صفحه ۷



www.fdn.ir | Wed | 25 Oct 2014 | Page 7



صفحه ۸

«فرهیختگان» در گفت‌وگو با کارشناسان وضعیت آیین‌نامه ارتقای اساتید را بررسی کرد

تعارض منافع مانع اصلی اصلاح آیین‌نامه ارتقا

۵،۴

شده است.
مستکم گرفته بود.
علی‌برکه، یکی از مقامات ارشد حماس گفته که تنها تعداد انگشت‌شماری از رهبران ارشد حماس می‌دانستند که در ۴ اکتبر به جنگ‌جویان این گروه دستور داده خواهد شد تا از حصار مرزی عبور کنند.

پس از پایان جنگ اسرائیل و حماس، اسرائیلی‌ها تقریباً به‌طور قطع، یک کمیسیون تحقیق تشکیل خواهند داد. در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲، اسرائیل کمیسیون آگراتات را به ریاست شیمون آگراتات، قاضی عالی دیوان عالی، برای تحقیق درباره شکست‌های منتهج به جنگ یوم‌کیپور سامان داد. این کمیسیون مستقیماً اظهارات ۹۰ شاهد را شنید و بازرسان آن گفته‌های ۱۸۸ شاهد دیگر را نیز ضبط نمودند. در این گزارش، انکای بیش ازحد به کانسپت‌ها و اطلاعات موسوم به طلایی ارائه‌شده از سوی چند منبع متنفذ مصری، مقصر شرایط حاصله بیان شده بودند.

تمامی کمیسیون‌های تحقیق بعدی هم که در سال‌های آتی در اسرائیل تشکیل شدند، تحت‌الشعاع کمیسیون آگراتات قرار دارند. در این کمیسیون چیزی شکل گرفت که اسرائیلی‌ها آن را فرهنگ سر بریدن می‌نامند- غریب‌زای برای پاسخ به شکست با اخراج واستعفاي جمع‌می به این امید که کنار زدن افراد مسئول از تکرار شکست جلوگیری کند. یک هفته پس از انتشار گزارش اولیه کمیسیون در ۲ آوریل ۱۹۷۴، مایر استعفاي خود را اعلام کرد. وزیر دفاع، وزیر خارجه و وزیر دارایی اسرائیل نیز تغییر کردند. مایر خاطرنشان کرده بود که اگر یک قهرمان اسرائیلی در جنگ یوم‌کیپور وجود داشته باشد، دیوید آزار، رئیس ستاد ارتش اسرائیل است، با این حال او نیز اخراج شد.

کمیسیون تحقیقی که پس از جنگ امروز اسرائیل و حماس تشکیل خواهد شد، ممکن است نسبت به رهبری کنونی اسرائیل سختگیر تر نیز باشد. کمیسیون آگراتات به این نتیجه رسید که اسرائیل نشانه‌های غریبالکار دال بر جنگ را نادیده گرفته است. کمیسیون آتی نیز ممکن است به همین نتیجه برسد اما مساله این است که مفروضات نابجای اصلی اسرائیل در مقطع فعلی گسترده‌تر از سال ۱۹۷۳ است و به‌هسته مرکزی راهبردی که اسرائیل از زمان عقب‌نشینی از غزه در ۲۰ سال قبل دنبال کرده است، مربوط می‌شود.

اگرچه هیچ‌کس پس بر این باور نبود که پس از خروج اسرائیل از غزه، صلح حاصل خواهد شد، اما مقامات اسرائیلی گمان می‌کردند که می‌توان مرز را از طریق بازاندکجی-پاسخ‌های تند-بر حمله-ومشوق‌های اقتصادی نسبتاً آرام‌نگه داشت. در سال ۱۹۲۲، ۶۷ هزار کامیون تدارکاتی را به غزه فرستاد و برای ۲۰ هزار نفر از اهالی این منطقه چیزی به‌میزان یک میلیارد دلار از مالیات مردم اسرائیل شده بود. اسرائیل در حماس هرگز خطر از دست دادن چنین دره‌ای از حمایت مادی را به جان نخواهد خرید.

این احتمال برای مدتی درست به‌نظر می‌رسید. حماس و اسرائیلی‌هر از چندگاهی به تبادل موشک می‌پرداختند و چندین جنگ میانپرتاب هم به‌داشتند، اما این درگیری‌ها قابل کنترل به‌نظر می‌رسیدند. به‌علاوه عقب‌نشینی از غزه سبب ذخیره‌میلیاردها دلار از مالیات مردم اسرائیل شده بود. اسرائیل بیش از سال ۲۰۰۵ تا ۱٫۵ میلیارد دلار- برابری با درصد ارزش تولید ناخالص داخلی آن در اواسط دهه اول قرن ۲۱- صرف اداره غزه می‌کرد؛ به این آمار باید هزینه ۲۲ هزار سربازی را هم افزود که برای محافظت از هشت هزار شهرک‌نشین اسرائیلی در این منطقه مستقر شده بودند. آزادسازی این بار مالی بدون شک نقش بزرگی در افزایش تقریباً بی‌محدود تولید ناخالص داخلی اسرائیل از سال ۲۰۰۵ تا امروز داشت. با عدم استقرار دائمی نیروهای اسرائیلی در غزه، تلفات ارتش نیز به شدت کاهش یافت. اما حمله حماس روشن کرده که اسرائیل مشکلات امنیتی خود را حل نکرده است، مقامات اسرائیلی ممکن است بسیار زودتر از زمان مناسب به این نتیجه رسیده باشند که عملاً شدیدترین خطر صادره از جانب درصحنه میدانی وجود داشتند. با وجود این، برنامه‌ریزان نظامی اسرائیل که نظریه‌های کانسپت‌ها شده بودند، شومون پرتز، نخست‌وزیر سابق اسرائیل طی ادای شهادت در کمیسیون وینترگارد- تحقیقات انجام شده درباره جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب‌الله لبنان- گفت که جنگ رقابت‌اشتباه‌هاست و بزرگ‌ترین اشتباه نیز خود وارد شدن به جنگ است اما ممکن است حتی پس از بدترین درگیری‌ها فرصت‌هایی حاصل شود، پس از جنگ یوم‌کیپور، مصرو اسرائیل توافق‌نامه صلحی را منعقد کردند که در آن اسرائیل شبه جزیره سینارا را به مصر بازگرداند و قاهره نیز رسماً اسرائیل را به رسمیت شناخت.

برخی فرصت‌های مشابه ممکن است امروز نیز برای لیب به صلح وجود داشته باشد. اگر عملیات اسرائیل در غزه سبب سرنگونی حماس شود، شاید یک نیروی عربی چندملیتی به رهبری مصر و عربستان سعودی بتواند مسئولیت امنیت در نوار غزه را برعهده بگیرد و به تجدید کنترل غزه از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین- مستقر در رام‌الله- کمک کند. آمریکا نیز در این میان می‌تواند با ارائه ضمانت‌های امنیتی و مجوز سفر برای اوباما و برای استفاده‌های غیرنظامی دست به ترغیب طرفین بزند. داستان جنگ یوم‌کیپور نشان می‌دهد که وقتی بسیاری از مفروضات قدیمی از بین می‌روند، مفروضات مضر-مانند این فرض که راه حل دو دلتی یا حکمرانی مؤثر در فلسطین قابل اجرا نیست- هم می‌تواند تغییر کند.

راه‌سینمای ملی از مدرسه می‌گذرد

چند برداشت از چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران

راه‌سینمای ملی از مدرسه می‌گذرد



رئیس‌جمهور اسبق آمریکا درباره تبعات کشتار گسترده در غزه به بایدن و نتانیاهو هشدار داد

جیغ بنفش باراک

از ماجرای تحریم‌های جدید نفتی چه می‌دانیم؟

عملیات روانی در سال هشتم برجام

۲

اقتصاد ایران به آرامش و هماهنگی حداکثری نیاز دارد

اتاق بازرگانی یا جنگ؟

۱۶

نشده باشند؛ درس‌هایی که اسرائیل در آن زمان به آنها نیاز داشت و امروز نیز نیاز دارد. پس از جنگ شش‌روزه، توان نظامی اسرائیل به‌شدت افزایش یافت؛ بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، ۱۷۸ جت جنگنده داگلاس ای-۴ اسکای‌هاوک، ۱۱۰ جت اف ۴ فانوم و نزدیک به ۲۰۰۰ تانک به توان نظامی ارتش این کشور اضافه شدند. در همین بازه زمانی، اقتصاد اسرائیل رشد شگفت‌انگیز ۸۵ درصدی را تجربه کرد.

اما حقیقت این بود که این درگیری هرگز واقعاً پایان نافته بود. تنها چند هفته پس از پایان جنگ، مصر کشتی ایلات، یک ناوشکن دریایی اسرائیل را غرق کرد و اسرائیل هم با گلوله‌باران شهرهای مصر در امتداد کانال سوئز، دست به تلافی زد. جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر در آن زمان، از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل خودداری نمود و بازپس‌گیری شبه جزیره سیناکه اسرائیل در جریان درگیری سال ۱۹۶۷ را رانصرف کرده بود، متعهد ماند. او اغلب اعلام می‌کرد: «آنچه به‌زور گرفته شده، به‌زور هم بازگردانده می‌شود». درگیری آشکار در طول سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۹ ادامه یافت و ۴۰۰ اسرائیلی و ده‌ها هزار مصری طی آن جان خود را از دست دادند. هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی سامانه‌های موشکی پیشرفته سام ۳ را در اختیار مصر قرار داد، تعداد هواپیماهای از دست نیروی هوایی اسرائیل به طرز نگران‌کننده‌ای شروع به افزایش کرد. تلاش‌های متعدد ایالات متحده و سازمان ملل برای میانجی‌گری صلح با یه‌گذاری که در پیروزمانی همین مطالعه در سال ۱۹۷۲، او ضعیف، نوزیر صهیونیستی صلح بین دو طرف راه به‌جایی نبرد.

پس از مرگ ناگهانی ناصر برائت سکتی قلبی در سال ۱۹۷۰ میلادی، سادات جانشین وی گردید. در هن بسیاری از مصری‌ها، سادات در مقایسه با سلف خود ضعیف بود، به‌طوری‌که از او اغلب به‌عنوان پودل، ناصر یاد می‌شد و در نظاره‌رات خیابانی، جمعیت شعار می‌دادند: «غول رفت و الاغ جای او را گرفت» است. «رهبران خارجی نیز از بیانی نامطلوبی از سادات داشتند و از او به‌عنوان یک «رهبر انتقالی» یاد می‌کردند. در سال ۱۹۷۰، یک مطالعه اطلاعاتی از سوی اسرائیل به این نتیجه رسید که، سطح هوشی سادات پایین است» و در در پی‌روزمانی همین مطالعه در سال ۱۹۷۲، او ضعیف، نوزیر صهیونیستی محمد حافظ اسماعیل که از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ مشاور امنیت ملی مصر بود، مدعی شد که هنری کسینجر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا به او گفته است که اگر مصر جنگ دیگری را آغاز کند، «اسرائیل یک بار دیگر و بیشتر از سال ۱۹۶۷ پیروز خواهد شد».

سادات اما به‌سرعت نشان داد که ضعیف نیست. او در مواجهه با کودتای نافرجام سال ۱۹۷۱، یک اقتصاد ورشکسته و افسران نظامی که تشنه انتقام شکست سال ۱۹۶۷ بودند، به این نتیجه رسید که باید وارد جنگ شود؛ اما او کاری را انجام داد که ناصر هرگز به آن دست نزده بود: او مرز رانستیا ساخت نگه داشت، افسران مستقر را به حاشیه برد و گروهی از ژنرال‌های شایسته را به ریاست سپه شاذلی، یک نظامی حرفه‌ای جوان اما بسیار مورد احترام، به‌جای آنها منصوب کرد.

شاذلی و گروهی از افسران دست‌چین شده به ارزیابی هوشیارانه‌ای از نقاط قوت و ضعف ارتش مصر پرداختند و یک طرح جنگی کاملاًسنجیده علیه اسرائیل طراحی کردند. شاذلی به این نتیجه رسید که حداقل برای شروع، لازم نیست تمام شبه جزیره سینارا تصاحب کند، بلکه باید اسرائیل را با پیشروی تنها شش ایلات در خاک دشمن و وارد کردن تلفات، غافلگیر سازد و او بر این باور بود که یک جنگ فرسایشی و همچنین فشارهای بین‌المللی، اسرائیل را مجبور خواهد کرد به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ عقب‌نشینی آماده شدن برای جنگ هستند؛ اما هشدار او مورد توجه قرار نگرفت. دستگاه اطلاعاتی اسرائیل ۲۵ «نشانه جنگ» را شناسایی کرده بود که باید مراقب آنها بود و بیش از ۳۰ مورد از آنها در اوایل اکتبر ۱۹۷۳ در صحنه میدانی وجود داشتند. با وجود این، برنامه‌ریزان نظامی اسرائیل که نظریه‌های کانسپت‌ها شده بودند، فکری می‌کردند که بیشتر این نشانه‌ها با تعالی‌های مربوط به آموزش نظامی سازگار هستند. مروان هم تاشب قبل از حمله به اسرائیلی‌ها هشدار داد.

در جنگ یوم‌کیپور، دستگاه‌اطلاعاتی اسرائیل متوجه شد که انور سادات، رئیس‌جمهور مصر هم کانسپت‌ها خاص خود را دارد. نیروهای سادات از کانال سوئز عبور کردند و شروع به حمله به سربازان اسرائیلی کردند تا تل آویو را مجبور به عقب‌نشینی به آنها تا کنیتیکی مشابه مصر را در البته سادات در نهایت و هنگامی که نیروهای اسرائیلی ارتش او را محاصره کردند از مسیر حرکت به سمت اهداف خود با ریاست‌دا مطرح او برای شوکه کردن اسرائیلی‌ها جواب داد.

پیامدهایی روشن‌تر

شباهت‌های قابل‌توجهی بین پویایی‌هایی که منجر به جنگ یوم‌کیپور شد و تحولات امروز وجود دارد. حماس در چندماه گذشته باشدید تم‌ریزات آموزشی متحرک‌کننده و اعزام مکرر جنگ‌جویان اسرائیلی کرده تا تل آویو را مجبور به عقب‌نشینی به آنها تا کنیتیکی مشابه مصر را در البته سادات در نهایت و هنگامی که نیروهای اسرائیلی ارتش او را محاصره کردند از مسیر حرکت به سمت اهداف خود با ریاست‌دا اعتماد به نفس ظرفیت برنامه‌ریزی و توانایی حماس برای فرار از نظرات را پیش گرفته، به‌علاوه اسرائیل اعتماد به نفس ظرفیت برنامه‌ریزی و توانایی حماس برای فرار از نظرات را

<div>سجاد عزازاده</div> <div>مترجم</div>
--

اوری کالفن، نویسنده کتاب ۱۸۱ روز در کتبر؛ چگونگی جنگ یوم‌کیپور خاورمیانه جدید را شکل داد، در مقاله‌ای با عنوان «درس‌های واقعی جنگ یوم‌کیپور»، اسرائیل برای شکست حماس نیاز به یک رویکرد اطلاعاتی جدید دارد؛ که در وب‌سایت فارن افزیر منتشر شده است، به‌بررسی مشابهت‌های حمله‌اخیر نیروهای مقاومت فلسطین به سرزمین‌های اشغالی و جنگ یوم‌کیپور پرداخته است. او معتقد است که پس از پایان جنگ جاری، با تشکیل کمیته تحقیق و تفحص شاهد کنار رفتن بسیاری از حاکمان فعلی رژیم صهیونیستی خواهیم بود؛ اتفاقی که پس از نبرد یوم‌کیپور نیز به وقوع پیوست. اگرچه این مقاله با رویکرد مثبت نسبت به صهیونیست‌ها نگاشته شده و در آن این‌گونه فرض شده که رژیم تل آویو قادر به ورود زینمی به غزه و کنار زدن مقاومت خواهد بود (امری که حتی پژوهشگران واقع‌گرای غربی هم بر آن اواگرایی وارد می‌کنند)، اما نکته مهم اعتراف مولف به فریب اطلاعاتی اسرائیل از سوی نیروهای مقاومت است؛ آن هم به شیوه‌ای که پیش‌تر در جنگ یوم‌کیپور اجرائی شده بود.

پس از پایان جنگ یوم‌کیپور در سال ۱۹۷۳، ما نخیم بگین، نخست‌وزیر آینده اسرائیل که در آن زمان یکی از اعضای جدید مجلس قانون‌گذاری این کشور به‌ شمار می‌رفت، در صحن کستت از شدت خشم فریاد زد: «چرا آنها تجهیزات نظامی را به خط نرسانند؟! جنگ یوم‌کیپور کی نبرد ۱۸ روزه بین اسرائیل و نیروهای مشترک مصر و سوریه بود که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ سرباز اسرائیلی شد، نظام سیاسی این کشور را دچار شوک نمود و به اعتماد به‌نفس ارتش این کشور نیز ضربه زد. بگین می‌خواست بداند چرا دولت برای این جنگ آماده نبرده است.

امروزه اسرائیلی‌ها سوالات مشابهی را مطرح می‌کنند. پس از کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر طی حمله بی‌سابقه حماس به خاک اسرائیل در ۷ اکتبر، آنان تمایل دارند بداند که چرا سربوس‌های اطلاعاتی برجسته کشورشان تهاجم حماس را پیش‌بینی نکرده بودند. آنها از خود می‌پرسند که چرا ارتش اسرائیل

البته جنگ یوم‌کیپور به طرق آشکاری با نبرد امروز اسرائیل و حماس متفاوت بود. این جنگ بین دولت‌های مستقل و ارتش‌های متعارف درگرفت، محرک‌های آن -مصر و سوریه- می‌خواستند سرزمین‌هایی را که در جنگ قبلی از دست داده بود، از اسرائیل باز پس بگیرند. به‌علاوه، نبرد یوم‌کیپور در سایه جنگ سرد شکل گرفت. مسکو و واشنگتن هم به طرفین کمک کردند و درباره آن‌سی که به این جنگ پایان داد، با یکدیگر مذاکره داشتند. با این وجود، غافلگیری تحقیرآمیز ناشی از حمله حماس برای اسرائیلی‌ها به طرز دردناکی یادآور حمله شریک‌آز انور سادات، رئیس‌جمهور مصر در سال ۱۹۷۳ به خاک این کشور به‌ شمار می‌رود.

میزان تشابه‌های موجود از این هم عمیق‌تر است. در آن زمان هم دقیقاً مانند امروز، اسرائیل دوره‌ای از رشد اقتصادی خیره‌کننده را تجربه کرده بود. به‌علاوه، اسرائیلی‌ها بازمه مانند اکنون، دقیقاً می‌دانستند که مواجهه با یک حمله غافلگیرانه به‌میزان است؛ اما اعتماد به‌نفس حمله فضای سیاسی اسرائیل پس از رسیدن به مرزهای جنگی افزایش یافته بود؛ زیرا در جنگ ۱۹۶۷ پیروزی خیره‌کننده‌ای حاصل شده، ارتش‌های چهار کشور عربی به شکست کشیده شده و وسعت سرزمینی اسرائیل نیز چهار برابر شده بود. پیروزیان از دوران باستان و از زمانی که کتاب مقدس صحبت از فتح هفت روزه را توسط آنان می‌کند، هرگز چنین احساس امنیت نکرده بودند. اما حاصل فتح سال ۱۹۶۷، پیروزی‌های غیرقطعی بود. مصر هم مصمم بود تا سرزمین‌های از دست‌رفته خود را باز پس بگیرد. در این میان اعتماد به‌نفس اسرائیل هم سبب شد تا مفروضات ذهنی بر این کشور حاکم شود که آن را مستعد حمله پنهانی مصر و سوریه در شش سال بعد سازده؛ مفروضاتی که مشابه آنها در دوران پیش از حمله حماس هم حاکم بود. جنگ یوم‌کیپور پس از اینکه نیروهای اسرائیلی ارتش سوم مصر را محاصره کرده و به نزدیکی دمشق رسید، به آتش پس ختم شده؛ اما مردم اسرائیل دولت خود در طرفین کمک کردند و درباره آن‌سی که غیرقابل بخشش می‌دانستند و دولت نیز مجبور شد تحقیقات گسترده‌ای درباره اشتباهات خود آغاز کند. یک افسر اطلاعاتی اسرائیلی طی اظهار شهادت در برابر کمیسیون مربوطه اذعان داشت که ارتش این کشور «براساس آنچه در قاهره در حال رخ داد بود، ارزیابی‌اشتباهی مبنی بر محتمل نبودن جنگ داشته است؛ این ارزیابی اساس فناوری جاسوسی پیشرفته‌ای انجام گرفته بود که به اسرائیل اجازه می‌داد از جلسات سطح عالی مقامات مصری دست به استراق سمع بزند و این در حالی بود که نشانه‌های آشکاری از جمع‌بات نظامی مصر در نزدیکی کانال سوئز وجود داشت.

زمانی که نبرد اخیر بین حماس و اسرائیل به پایان برسد، اسرائیل احتمالاً فرآیند تحقیقاتی مشابهی را برگزار خواهد کرد. اگرچه گزارش کمیسیون سال ۱۹۷۳ منجر به ارائه مغلطی در قالب ۲۲۰۰ صفحه شد اما برخی از درس‌های بزرگ سال ۱۹۷۳ ممکن است هنوز هم آموخته